

پژوهشی در تاریخ‌گذاری سوره «مطففین» (بر مبنای ادله نقلی و اجتهادی)

فتحیه فتاحی‌زاده*

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۲۴

معصومه شیردل**

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۹

چکیده

تعیین ترتیب و زمان نزول سوره‌ها از جمله مباحث پرسابقه در تفسیر و علوم قرآن است. مسأله مهم در این زمینه، جایگاه سوره «مطففین» است که یا به عنوان آخرین سوره مکی یا اولین سوره مدنی محسوب می‌شود. بر اساس ادله نقلی و اجتهادی مورد استناد در تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن، ملاحظه می‌شود اغلب روایات موثق در ترتیب نزول، بیانگر نزول سوره «مطففین» پس از «عنکبوت» در پایان سور مکی است. همچنین باتوجه به تاریخ هجرت و فاصله میان آن واقعه تا سرآغاز تقویم هجری، می‌توان زمان نزول این سوره را سال آخر بعثت و نزدیک به هجرت در نظر گرفت. به علاوه، ضوابط و خصائص این سوره نیز مؤید مکی بودن آن است.

کلیدواژگان: سوره مطففین، تاریخ‌گذاری، مکی و مدنی، ترتیب نزول، سبب نزول.

f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

Shirdel114@gmail.com

* عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (استاد تمام).

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: معصومه شیردل

بیان مسأله

عنوان «تاریخ‌گذاری قرآن» گرچه اصطلاحی نوظهور در مطالعات قرآنی به شمار آمده و به معنای تعیین زمان و ترتیب نزول سوره‌های قرآن کریم است، اما منابع و علوم پیش‌نیاز آن مانند روایات ترتیب نزول سوره‌ها، اسباب نزول و به‌ویژه علم مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ، تاریخ‌زندگانی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از صدر اسلام شکل گرفته است (رک. نکونام، ۱۳۸۰ش: ۲). این دانش از جمله علوم مفید و کاربردی در تفسیر قرآن می‌باشد. چنانکه علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: «آگاهی از مکی و مدنی بودن سوره‌ها و ترتیب نزول آن‌ها در مباحث مربوط به دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و سیر معنوی، سیاسی و اجتماعی آن و تحلیل سیره شریف ایشان بسیار مؤثر است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۳۵/۱۳). پس حاصل تاریخ‌گذاری سوره‌ها، رسیدن به فهم عمیق‌تر از هر سوره و شناخت بهتر سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است.

بر این اساس، بسیاری از سوره‌های قرآن به اتفاق نظر علماء، مکی و تعداد کم‌تری نیز مدنی است. اما در مکی و مدنی بودن، همچنین زمان و مکان نزول تعدادی از سوره‌ها اختلاف نظر وجود دارد. چنانکه آیت‌الله معرفت تا سی سوره را مورد اختلاف می‌داند (معرفت، ۱۳۸۹ش: ۵۸-۶۲). سیوطی نیز سروده *ابن حصار* را نقل می‌کند که در آن دوازده سوره اختلافی محسوب شده است (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۱/ ۶۰-۶۱) اما خود وی در فصل مستقلی، ۲۸ سوره را اختلافی می‌داند (رک. سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۱/ ۶۲-۷۱)، سوره «مطففین» (یا تطفیف) نیز از آن جمله است.

لازم به ذکر است که تشخیص زمان و ترتیب نزول این سوره از آن جهت اهمیت و ضرورت دارد که تعیین دقیق آن، در رفع اختلاف موجود در علم «اولین و آخرین آیات و سور نازل» یعنی شاخه‌ای از علم «مکی و مدنی» تأثیر بسزایی دارد. زیرا مسأله اینجاست که آیا سوره «مطففین»، آخرین سوره مکی یا اولین سوره مدنی است؟ پرسش دیگری که پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به آن می‌باشد این است که شرایط و فضای نزول این سوره چگونه بوده است؟ بر اساس شواهد موجود، به نظر می‌رسد که سوره «مطففین» در سال‌های پایانی بعثت، به هنگام تحت فشار بودن مسلمانان و اهل

بیت(علیهم‌السلام) در مکه توسط کفار قریش، در مذمت تمسخرکنندگان حضرت علی(علیه‌السلام) و برخی مؤمنان همراه ایشان نازل شده است. از جمله اهداف پژوهش حاضر این است که علاوه بر تشخیص ترتیب و زمان نزول سوره «مطففین»، با تبیین شرایط و فضای نزول این سوره، بتوان به شناخت بهتری از سیره اهل بیت(علیهم‌السلام) و چگونگی تعامل ایشان با کفار و مخالفان دست یافت. این در حالی است که تا کنون پژوهش‌های جامعی در رابطه با تاریخ‌گذاری این سوره صورت نگرفته است و اکثر علماء و مفسران صرفاً به ذکر اقوال مختلف بدون توجیه و اثبات اکتفا نموده‌اند.

پیشینه تحقیق

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، تا کنون اثری با موضوع «تاریخ‌گذاری سوره مطففین» منتشر نشده است. اما درباره برخی سوره‌های قرآن نظیر اعراف، رعد، عادیات، انسان و حج، مقالاتی با عنوان تاریخ‌گذاری یا مکی و مدنی بودن، به رشته تحریر درآمده است. از جمله آثار مهمی که در خصوص روش تحقیق مناسب در «تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن» نگاشته شده و در پژوهش حاضر نیز مورد توجه و استناد قرار گرفته عبارت است از:

- «نقد و بررسی روش‌های تاریخ‌گذاری قرآن»، منصور پهلوان؛ ابراهیم اقبال؛ محمدعلی حیدری مزرعه‌آخوند، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۳، صص ۲۷-۴۵

بر اساس این پژوهش، برای دستیابی به نتایج مطلوب و مستدل در تاریخ‌گذاری قرآن، لازم است از روش فراگیر در تاریخ‌گذاری قرآن استفاده شود. زیرا روش‌های تک‌جنبه‌ای در تاریخ‌گذاری نظیر روش نقلی، تاریخی، موضوعی، آماری، سیاق و سبک و اسلوب، علاوه بر نارسایی آشکار، با اشکالات و نقدهای جدی مواجه است. پس روش برتر و پیشنهادی در تاریخ‌گذاری، روش فراگیر است که هم بر نقل و هم بر قیاس و اجتهاد؛ یعنی هر دو راه شناخت، مبتنی است و نیز از اظهار نظر ذوقی و سلیقه‌ای در آستان قرآن به دور است (رک. فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۱۸: ۴۴).

بنابراین روش مورد نظر در پژوهش حاضر، تاریخ‌گذاری سوره مطفین بر اساس روش تلفیقی مبتنی بر نقل و اجتهاد است. یعنی ابتدا جایگاه این سوره در روایت ترتیب نزول سوره‌های قرآن بررسی می‌شود. سپس روایات سبب نزول آن مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد. هم‌چنین کاوشی در وقایع تاریخ اسلام مقارن با نزول سوره برای شناخت فضای نزول آن صورت می‌گیرد. در پایان نیز، ضوابط و خصائص این سوره بر اساس موارد تعیین شده در دو دسته سور مکی و مدنی مورد توجه قرار می‌گیرد تا مؤیدی بر نتایج بدست آمده باشد.

گزارش اختلافی بودن سوره «مطفین»

در خصوص مکان نزول سوره «مطفین» اقوال و نظرات متفاوتی وجود دارد. غالباً صاحب‌نظران علوم قرآن این سوره را در شمار سوره‌های اختلافی مکی و مدنی برمی‌شمارند. چنان‌که آیت‌الله معرفت ضمن ذکر این سوره ذیل سوره‌های اختلافی، دو دیدگاه: اولین سوره مدنی بودن؛ یا نزول آن در بین راه مکه و مدینه را مطرح می‌نماید. اما در ادامه چنین اظهار می‌دارد که: «ولی روایات ترتیب بالاتفاق آن را آخرین سوره مکی شمرده‌اند» (معرفت، ۱۳۸۹ش: ۶۰). سیوطی نیز ضمن برشمردن دیدگاه‌های مختلف، به اختصار ادله هر گروه را ذکر می‌کند؛ از جمله اینکه گفته شده این سوره به دلیل ذکر «أساطیرُ الأوّلین» مکی است؛ یا مدنی است به علت آمدن داستان تطفیف، چون اهل مدینه فاسدترین افراد در پیمان‌خوردن بودند؛ یا اینکه این سوره مکی است جزء ماجرای تطفیف آن؛ یا اینکه بین مکه و مدینه نازل شده است (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۱/ ۶۷) اما گویا سیوطی خود، بر مکی بودن این سوره تأکید دارد. زیرا در بحث آیات مستثنیات، سوره مطفین را به جز شش آیه نخستش مکی می‌داند (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۱/ ۸۰).

در بین مفسران علاوه بر دیدگاه‌های فوق، نظرات دیگری نیز وجود دارد. از جمله بر مدنی بودن مطفین به جز آیه ۱۳ یا هشت آیه پایانی ۳۶-۲۹ اشاره شده است (رک. طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۱۰/ ۶۸۵؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، الف: ۴/ ۴۱۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲۰/ ۲۵۰؛ طنطاوی، بی‌تا: ۱۵/ ۳۱۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۵/ ۲۷۳).

در مجموع می‌توان دیدگاه‌های موجود در باب موقعیت نزول سوره «مطففین» را اینگونه برشمرد: یا سراسر مکی است؛ یا سراسر مدنی است؛ یا شش آیه نخستش مدنی و بقیه مکی است؛ یا آیه ۱۳ یا هشت آیه پایانی مکی و بقیه مدنی است؛ یا اینکه این سوره در بین مکه و مدینه در سفر هجرت نازل شده است. در خصوص دیدگاه اخیر، ذکر این نکته لازم است که در میان معیارهای موجود برای تشخیص سوره‌های مکی و مدنی، معیار زمان اولویت و ارجحیت دارد. بر این اساس معیار مکی یا مدنی بودن، سفر هجرت است. ملاک هجرت نیز داخل شدن به مدینه است. بنابراین آیاتی که پس از خروج از مکه و پیش از ورود به مدینه بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نازل شده است، مکی محسوب می‌شود (معرفت، ۱۳۸۹ش: ۴۹-۵۰). اما در خصوص سایر دیدگاه‌ها، می‌توان گفت که بایستی منشأ اختلاف‌های موجود را در روایات ترتیب نزول سوره‌ها و همچنین روایات سبب نزول سوره «مطففین» جست‌وجو نمود.

جایگاه سوره «مطففین» در روایات ترتیب نزول

یکی از مهم‌ترین منابع روایی برای تاریخ‌گذاری قرآن، روایاتی است که ترتیب نزول سوره‌های قرآن را گزارش می‌کند (نکونام، ۱۳۸۰ش: ۱۲۸). این روایات گاهی مشتمل بر تمام سوره‌ها و گاهی بخشی از سوره‌های قرآن می‌باشد. در این میان دو روایت منسوب به امامان معصوم (علیهم‌السلام) است و سایر روایات به صحابه و تابعان می‌رسد.

الف. گزارش و بررسی روایات ترتیب نزول

با بررسی روایات ترتیب نزول سوره‌های قرآن، وضعیت سوره «مطففین» در ترتیب نزول مشخص می‌شود. در اغلب این روایات، بر مکی بودن سوره «مطففین» تصریح شده است و در برخی از موارد نیز این سوره مدنی شمرده می‌شود.

روایات مکی بودن سوره «مطففین»

روایاتی که حاکی از مکی بودن سوره مطففین می‌باشد، بر اساس منشأ صدور به ترتیب به شرح ذیل است.

روایت حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام)

طبرسی این روایت را به نقل سعید بن مسیب، از امام علی (علیه السلام) ذیل تفسیر سوره انسان به اختصار می آورد و تنها سه سوره نخست مکی و سوره های نخست مدنی از بقره تا انسان را معرفی می کند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۶۱۳/۱۰-۶۱۴). از آنجا که ایشان «مطففین» را جزء سوره های نخست مدنی نیاورند، پس معلوم می شود که آن را مکی می دانند.

روایت عبدالله بن عباس

روایات متعددی مربوط به ترتیب نزول در منابع اسلامی وجود دارد که اغلب آن ها به نوعی منقول از ابن عباس و شاگردان او می باشد. اما به طور مستقیم، روایت ابن عباس از چندین طریق در منابع نقل شده که طرق ذیل دال بر مکی بودن سوره «مطففین» است:

الف. طریق عثمان بن عطاء؛ که افراد ذیل روایت ابن عباس را از این طریق بیان کرده اند:

۱. بن ضریص این روایت را با گزارش همه سوره ها در دو بخش مکی و مدنی و با حرف عطف «ثم» به ترتیب نزول ذکر می کند و در بخش مکی، ۸۶ سوره و در بخش مدنی، ۲۸ سوره را نام می برد که در این روایت، «مطففین» هشتاد و ششمین سوره؛ یعنی آخرین سوره در بخش مکی است (ابن ضریص، ۱۴۰۸ ق: ۳۳-۳۴؛ سیوطی، ۱۴۲۱ ق: ۵۹/۱-۶۰).

۲. حسکانی این روایت را از طریق یادشده، با چند سند ذیل تفسیر سوره انسان آورده و طی آن تنها در بخش مکی به ذکر اولین سوره؛ «أَقْرَبُ سُرَّتِكَ الَّذِي خَلَقَ» (العلق/۱) اکتفا کرده و سپس به ذکر سوره های مدنی از بقره تا طلاق می پردازد و تعداد سور مکی را ۸۵ سوره و سوره های مدنی را ۲۸ مورد می داند (حسکانی، ۱۴۱۱ ق: ۲/۴۰۹-۴۱۰) البته نامی از «مطففین» در این گفتار نیامده، اما از آنجا که این سوره جزء سوره های نخست مدنی محسوب نشده، گویا مکی به حساب آمده است. طبرسی نیز همین روایت را از کتاب استاد احمد زاهد نقل می کند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۶۱۲-۶۱۳).

ب. طریق ابن جریج از عطاء خراسانی؛ ابن ضریس و حسانکی پس از نقل کامل روایت ابن عباس از طریق نخست، به روایتی شبیه آن از طریق ابن جریج، از عطاء خراسانی اشاره می‌کنند (ابن ضریس، ۱۴۰۸ق: ۳۵؛ حسانکی، ۱۴۱۱ق: ۴۱۰/۲). ابن ندیم نیز در این روایت، تنها به نزول ۸۵ سوره در مکه اشاره نموده و سپس سوره‌های مدنی را به ترتیب نزول از بقره تا توبه با حرف عطف «ثُمَّ» ذکر می‌کند (ابن ندیم، ۱۳۴۶ش: ۴۴؛ زنجانی، ۱۴۰۴ق: ۶۲) اما در این روایت نیز اثری از «مطففین» ذیل سور مدنی مشاهده نمی‌شود. پس این سوره مکی لحاظ شده است.

ج. طریق مجاهد از ابن عباس؛ ابونحاس اظهار نظر ابن عباس را در مکی و مدنی بودن سوره‌ها به ترتیب کنونی قرآن آورده که در قسمتی از آن، از سوره مدثر (۷۴) تا علق (۹۶) را مکی می‌شمارد (نحاس، بی تا: ۲۵۵). بر این اساس، «مطففین» (۸۳) که میان این فاصله محسوب شده، مکی است. حسانکی نیز ضمن اختصار روایت مذکور، تنها اولین سوره مکی (یعنی علق) و سپس سوره‌های مدنی را به ترتیب از بقره تا بینه، بیان نموده است (حسانکی، ۱۴۱۱ق: ۴۱۱/۲) ولی از «مطففین» ذکری به میان نمی‌آورد. در حالی که ابن ندیم در روایتی به نقل از مجاهد، بدون اسناد به ابن عباس، سوره‌های مکی را از سوره تبت به بعد با حرف عطف «ثُمَّ» برشمرده و «مطففین» را بین عنکبوت و قمر ذکر کرده است (ابن ندیم، ۱۳۴۶ش: ۴۲-۴۳).

روایت جابر بن زید

این روایت را سیوطی چنین نقل کرده که سوره‌ها در دو بخش مکی و مدنی با حرف عطف «ثُمَّ» می‌آید و «مطففین» آخرین سوره مکی پس از عنکبوت است (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۱۱۰/۱-۱۱۱).

روایت عطاء بن اُبی مسلم خراسانی

ماوردی روایت عطاء را بهترین روایت در این باب می‌خواند که در آن «مطففین» آخرین سوره مکی پس از عنکبوت است (نزال، ۱۴۲۷ق: ۶۲-۶۳). حسانکی نیز همین

روایت را با اختصار متن و ذکر برخی از سوره مدنی آورده است (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۲/ ۴۱۴).

روایت زُهری محمد بن مسلم

وی در بخش مکی ۸۵ سوره را با حرف عطف «ثُمَّ» و در مدنی ۲۹ سوره را به همان ترتیب نقل می‌کند که «مطففین» آخرین سوره مکی پس از عنکبوت می‌باشد (زُهری، ۱۴۱۱ق: ۸۸-۹۳).

روایت قتاده

این روایت را /بویکر بن /نباری از قتاده می‌آورد که ۲۶ سوره به ترتیب کنونی قرآن از بقره تا نصر را مدنی، و سایر سوره‌ها را مکی می‌داند (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۶۰/۱) عدم ذکر مطففین در این گفتار، حاکی از مکی بودن است.

روایت علی بن اَبی طلحه

روایت وی را /بوعبید قاسم بن سلام نقل می‌کند و ۲۴ سوره به ترتیب کنونی از بقره تا نصر را مدنی می‌شمارد، و دیگر سوره‌ها را مکی می‌داند (ابوعبید، ۱۴۲۶ق: ۲۲۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۶۰/۱). لذا با توجه به عدم ذکر «مطففین» در این روایت، بایستی آن را مکی به حساب آورد.

روایت حسین بن واقد

این روایت را که حسکانی نقل می‌کند و تنها به ذکر اولین سوره‌های مکی و سپس سوره‌های مدنی به ترتیب نزول از بقره تا حشر می‌پردازد (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۲/ ۴۱۴). ملاحظه می‌شود که در این روایت نیز نامی از «مطففین» نیامده، پس این سوره مکی تلقی شده است.

اقوال صاحب‌نظران علوم قرآن

بی‌تردید علاوه بر روایات ترتیب نزول، توجه به آراء و گفتار بزرگان و عالمان متقدم علوم قرآن در زمینه علم «مکی و مدنی» نیز، برای تشخیص ترتیب نزول سوره‌های قرآن مؤثر به نظر می‌رسد.

الف. گفتار ابن جوزی؛ وی سخن *ابن شیطا* را نقل می‌کند که در آن، ۲۹ سوره مدنی را به ترتیب کنونی قرآن گزارش می‌کند، آن‌گاه ۸۵ سوره باقی‌مانده را مکی به حساب می‌آورد. در ادامه به اختلافی بودن پنج سوره نیز اشاره می‌شود (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ب: ۱۶۰)، ولی چون در این میان ذکری از مطففین نیامده، پس مکی به شمار آمده است.

ب. ترتیب زرکشی؛ وی در این رابطه، تنها گفتاری بدون ذکر سند و منبع می‌آورد و ۸۵ سوره را در بخش مکی و ۲۸ سوره را در بخش مدنی جای می‌دهد (زرکشی، ۱۴۱۵ق: ۱/۲۸۰-۲۸۱)، اما به هنگام بحث از آخرین سوره مکی، قول مجاهد مبنی بر اینکه مطففین آخرین سوره مکی است را معتبر خوانده و به هنگام ذکر ترتیب سوره‌های مدنی، بقره را اولین سوره مدنی می‌داند (زرکشی، ۱۴۱۵ق: ۱/۲۸۱).

ج. اقوال سیوطی؛ از میان هشت گفتاری که او ذکر کرده، جزء گزارش بی‌هقی که بر مدنی بودن سوره مطففین دلالت دارد، سایر روایات بر مکی بودن این سوره حکم می‌کند (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۱/۵۶-۶۲).

روایات مدنی بودن سوره «مطففین»

از مجموع روایات ترتیب نزول، تنها شمار اندکی بر مدنی بودن سوره «مطففین» دلالت دارد که به شرح ذیل است.

حضرت علی بن حسین (علیه‌السلام)

واحدی در روایت مرسله به نقل از *امام سجاد (علیه‌السلام)* اولین و آخرین سوره مکی و مدنی را نقل می‌کند که در آن، «مطففین» اولین سوره مدنی است (واحدی، ۱۴۱۱ق: ۱۶).

طریق ابوصالح از ابن عباس

حسکانی پس از برشمردن چند سوره مکی، با تقطیع روایت، شمار آن را ۸۳ سوره یاد می‌کند. آنگاه به سوره‌های مدنی از «مطففین» تا طلاق می‌پردازد (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۴۱۱/۲-۴۱۲). یعقوبی نیز سوره‌ها را در بخش مدنی بدون ذکر سند از «مطففین» شروع می‌کند (یعقوبی، بی تا: ۴۳/۲).

روایت عکرمة و حسن بصری

بیهقی این روایت را با سند / ابو عبد الله حافظ می‌آورد که ابتدا سوره‌های مکی را به ترتیب نزول با حرف عطف «واو» از علق تا عنکبوت و سپس به همین ترتیب، سوره‌های مدنی را از مطففین تا توبه آورده است (بیهقی، ۱۴۰۵ق: ۱۴۲/۷-۱۴۳). سیوطی نیز برای مدنی بودن سوره «مطففین»، تنها همین گزارش بیهقی را ذکر می‌کند (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۵۸-۵۷/۱) ولی حسکانی و طبرسی این گزارش را به اختصار و با ذکر چند سوره مدنی می‌آورند و مطففین را اولین سوره مدنی می‌دانند (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۴۱۳/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۶۱۲/۱۰).

تحلیل و ارزیابی روایات ترتیب نزول

با بررسی روایات ترتیب نزول و اقوال عالمان علوم قرآن، ملاحظه می‌شود که تعارض‌ها و تناقض‌هایی در آن‌ها وجود دارد. همچنین از آنجا که این بیانات در بردارنده نقاط اشتراک و افتراقی است، لذا بایستی این اقوال مورد نقد و بررسی قرار گیرد. با بررسی روایات ترتیب نزول، ملاحظه می‌شود که غالباً سند آن‌ها به طریقی به ابن عباس می‌رسد که وی علاوه بر درک عصر نزول سوره‌های مدنی، ترتیب خود را از صحابه سالخورده و بیش‌تر علمش را از حضرت علی (علیه السلام) گرفته است و با وجود نقل روایت ترتیب نزول از قول آن حضرت، به احتمال قوی / ابن عباس ترتیب خود را از ایشان دریافت نموده است (نکونام، ۱۳۸۰ش: ۱۳۴-۱۳۵). همچنین در اغلب این روایات، مخصوصاً نقل‌های کامل و همراه با حرف عطف «ثم» که غالباً بر ترتیب زمانی دلالت دارد، بر این مطلب تصریح می‌شود که «مطففین» آخرین سوره مکی پس از عنکبوت است.

ناگفته نماند که برخی از مفسران نیز بر این مطلب تصریح نموده‌اند (از جمله: رک. زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۷۱۸/۴؛ مراغی، ۱۹۸۵م: ۷۱/۳۰؛ ملاحویش، ۱۳۸۲ق: ۵۰۸/۴). روایاتی که سوره مطففین را مدنی می‌شمارد، قابل نقد و بررسی است. زیرا روایتی که واحدی از امام سجاد (علیه‌السلام) نقل کرده مرسل است (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۱۱۰/۱). هم‌چنین در طریق ابوصالح از ابن عباس شماری افراد مجهول و متهم به کذب وجود دارد، لذا این طریق که در تعارض با طریق معروف و موثق عطاء از ابن عباس قرار دارد، فاقد اعتبار است (نکونام، ۱۳۸۰ش: ۱۳۶). روایت عکرمه و حسن بصری نیز که توسط علی بن حسین بن واقد نقل شده، با روایت دیگرش و سایر روایات صحیح در این باب در تعارض و فاقد حجیت است.

روایات سبب نزول سوره «مطففین»

مفسران قرآن کریم، غالباً در سرآغاز تفسیر هر سوره، روایات و اخبار موجود در مورد سبب نزول آن سوره را نقل می‌کنند. این احادیث، خود یکی از مهم‌ترین منابع روایی مورد استفاده در تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن می‌باشد.

گزارش و بررسی روایات

روایات سبب نزول مربوط به سوره مطففین، غالباً ذیل دو دسته از آیات آغازین و پایانی آن گزارش شده است.

آیات آغازین

مضمون سبب نزول مشهور ذیل آیات "

﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ۝ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ۝ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزِنُوهُمْ

يَخْسِرُونَ﴾ (المطففین / ۱-۳)

این چنین است: «هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) وارد مدینه شدند، مردم مدینه از نظر وزن و پیمان، خبیث‌ترین افراد بودند. پس خداوند این آیات را نازل کرد و بعد از آن، ترازو و پیمان ایشان خوب شد». لازم به ذکر است که برخی از مفسران سبب

نزول مذکور را مستقیماً به نقل از *ابن عباس* بیان نموده‌اند (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، الف: ۴۱۴/۴؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق: ۴۰۳/۴؛ مظهري، ۱۴۱۲ق: ۲۱۷/۱). برخی نیز آن را با سند ناقصی از *نسایی* آورده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۲۷۳/۱۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲۵۰/۲۰). عده زیادی نیز آن را از *ابن عباس* به طریق *عکرمه* آورده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۷۱۸/۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۵۰/۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۶۸۷/۱۰؛ بغوی، ۱۴۲۰ق: ۲۲۱/۵؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۵۷/۳۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۳۴۳/۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۸۳/۳۱؛ واحدی، ۱۴۱۱ق: ۴۷۴). تعدادی نیز به ذکر این سبب به شکل مجهول پرداخته‌اند (رک: کاشانی، ۱۴۲۳ق: ۳۶۱/۷). همچنین در برخی از منابع شیعی همین سبب نزول به نقل از *ابی الجارود از امام باقر (علیه السلام)* ذکر شده است (قمی، ۱۳۶۷ش: ۴۱۰/۲؛ شبر، ۱۴۰۷ق: ۳۷۸/۶؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش: ۱۷۵/۱۴-۱۷۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۶۰۴/۵). از سوی دیگر، *مقاتل بن سلیمان* آن را چنین بیان می‌کند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) هنگام ورود به مدینه، به آنان گفت: «وای بر شما به سبب کارتان»، پس خداوند این آیات را به عنوان تصدیقی بر سخن آن حضرت نازل فرمود (مقاتل، ۱۴۲۳ق: ۶۲۱/۴) اما سدی، سبب نزول مذکور را در خصوص مردی از مدینه به نام *ابوجهینه* که کم‌فروشی می‌کرد بیان می‌کند (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۵۰/۱۰؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق: ۴۰۳/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۶۸۷/۱۰). برخی از مفسران نیز این سبب نزول خاص را بدون سند آورده‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲۵۰/۲۰؛ مراغی، ۱۹۸۵م: ۷۲/۳۰؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق: ۳۶۱/۷). اما *ابن عاشور* این روایت را به نقل از *ابن ماجه از ابن عباس* آورده و اسم آن فرد را عمرو گفته است (ابن عاشور، بی تا: ۱۶۹/۳۰).

آیات پایانی

در ذیل آیات:

﴿لِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ... هَلْ تُؤِيبُ الْكَفَّارَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾

(المطففين / ۳۶-۲۹)

مفسران سه سبب نزول نقل کرده‌اند که دو مورد ناظر به مکی بودن و یکی ناظر به

مدنی بودن این آیات است:

الف. اسباب نزول مکی

روزی حضرت علی (علیه السلام) و جمعی از مؤمنان از کنار برخی کفار مکه می‌گذشتند، که مورد خنده و استهزاء آنان قرار گرفتند سپس آیات فوق نازل شد (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۴۲۷/۲-۴۲۸، به دو طریق مقاتل از ضحاک از ابن عباس و ابوصالح از ابن عباس؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۶۹۴/۱۰، به طریق ابوصالح از ابن عباس). برخی این روایت را بدون سند آورده‌اند (مراغی، ۱۹۸۵م: ۸۴/۳۰؛ ملاحویش، ۱۳۸۲ق: ۵۱۹/۴؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق: ۴۵۴/۵؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق: ۴۳۱/۱۰-۴۳۲). اما سبب عام‌تری درباره برخی اصحاب خاص پیامبر (صلی الله علیه وآله) و مؤمنان فقیری که مورد استهزای مشرکان و ثروتمندان قریش قرار گرفته بودند وجود دارد (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۶۹۳/۱۰، به نقل از ابن مسعود و ابن عباس؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲۶۷/۲۰، به نقل از ابن عباس). البته اکثریت مفسران این سبب عام را بدون سند گزارش کرده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۷۲۳/۴-۷۲۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، الف: ۴۱۸/۴؛ ملاحویش، ۱۳۸۲ق: ۵۱۸-۵۱۹/۴؛ بغوی، ۱۴۲۰ق: ۲۲۷/۵؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق: ۴۰۶/۴؛ طنطاوی، بی‌تا: ۳۲۸/۱۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۹۴/۳۱؛ مظهری، ۱۴۱۲ق: ۲۲۷/۱۰؛ ابن عاشور، بی‌تا: ۱۸۶/۳۰-۱۸۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۲۹۶/۵؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ۳۷۴/۱۰).

ب. سبب نزول مدنی

در این روایت که مشابه همان سبب نزول خاص مکی است، منافقان را به عنوان مسخره‌کنندگان معرفی کرده‌اند (مقاتل، ۱۴۲۳ق: ۶۲۵/۴؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۴۲۸/۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۵۷/۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۶۹۳/۱۰؛ میبیدی، ۱۳۷۱ش: ۴۲۰/۱۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۹۴/۳۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۷۲۴/۴؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ۵۵۹/۳؛ شبر، ۱۴۰۷ق: ۳۷۸/۶؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۱۳۲/۳۰).

نقد و بررسی روایات اسباب نزول

با بررسی روایات سبب نزول سوره «مطففین»، می‌توان دریافت که غالباً سند روایات اسباب نزول مدنی، درست مشابه سند روایات ترتیب نزول مدنی این سوره است که

اجمالاً به دلایل ذیل، اعتبار آن‌ها مورد تردید است: سبب نزول مدنی آیات نخست با مضمون و اسلوب سوره در تناقض است (دروزه، ۱۳۸۳ق: ۵/۵۰۸-۵۰۹) زیرا لحن سوره دارای خشونت و سختگیری فراوان است، که مخصوصاً با تکرار لفظ «کَلَّا» ظهور بیش‌تری می‌یابد و این حالت با ورود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به مدینه متناسب نیست، بلکه بیش‌تر با وضعیت مشرکان تناسب دارد (معرفت، ۱۴۱۵ق: ۱/۱۵۵)؛ زیرا اهالی مدینه، آن قوم بزرگواری بودند که دین خدا را پذیرفتند و جان‌ها و اموالشان را برای یاری و حمایت از آن اختصاص دادند و مهاجران را در خانه‌های خویش مسکن دادند (خطیب، بی تا: ۱۴۸۸/۱۶).

فقط اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) در ابتدای ورودش به مدینه، این سوره را بر ایشان خواند تا آنان از این خصلت زشت بیزاری جویند و معاملاتشان نیکو شود. ولی کسانی که این سوره را در بدو ورود آن حضرت به مدینه از زبان ایشان شنیدند، گمان کردند که سوره «مطففین» در مدینه نازل شده است. لذا بعضی سبب نزول آن را درباره مردی به نام /بوجهینه بیان کرده‌اند (ملاحویش، ۱۳۸۲ق، ج ۴: ۵۰۹-۵۱۰). اما بایستی گفت این نوع ماجراهایی که تقریباً هم‌زمان با نزول سوره‌ای رخ داده و به هنگام وقوع آن جریان، این سوره تلاوت شده است، در اصل شأن نزول و نه سبب نزول آن سوره محسوب می‌شود (معرفت، ۱۴۱۵ق: ۱/۲۵۴).

چنانکه مفسران اهل تحقیق این قبیل روایات به اصطلاح «سبب نزول» را که با ظاهر و سیاق آیات مربوطه موافقت ندارد، به عنوان ذکر مصداق می‌شمارند. زیرا این دسته روایات، اغلب متعلق به روایانی است که خود شاهد نزول وحی نبوده‌اند و بعدها به صورت نابجا این داستان‌ها را بر آیات مورد نظر انطباق داده‌اند (نکونام، ۱۳۸۰ش: ۱۵۲). در نتیجه روایات فوق، سبب نزول معتبر و قابل استفاده در تاریخ‌گذاری محسوب نمی‌شود. سایر روایات مربوط به سبب نزول آیات آغازین سوره نیز هر یک به علت وجود ضعف در سند آن‌ها، از اعتبار ساقط می‌شوند، چنانکه روایت /بوالجارود، به علت جرحی که از سوی /امام صادق (علیه السلام) درباره او وارد شده و وی را کذاب و کافر خوانده و مورد لعنت قرار داده نامعتبر است (کشی، ۱۳۴۸ق: ۲۳۰).

روایت سبب نزول مدنی آیات پایانی سوره نیز که با روایات اسباب نزول مکی آن که از سند و محتوای مقبول‌تری برخوردار است، در تعارض می‌باشد. از طرفی، تکرار مجدد لفظ «الکفار» در این آیات (المطففین / ۳۴، ۳۶) خود گویای مکی بودن این سوره می‌باشد.

خلاصه اینکه روایات سبب نزول آیات آغازین از اعتبار لازم جهت نتیجه‌گیری در تاریخ‌گذاری برخوردار نبوده و تنها در حد شأن نزول مورد توجه است. بنابراین هرچند که نظر برتر در تعیین زمان نزول، منوط به جایگاه نزول آیات آغازین هر سوره می‌باشد، ولی با توجه به وجود نظم طبیعی در ترتیب آیات هر سوره و کوتاهی سوره مذکور، بر اساس روایات سبب نزول آیات پایانی سوره می‌توان حکم به مکی بودن تمام آیات این سوره داد. زیرا معتبرترین روایات سبب نزول این بخش بر نزول آن در مکه یعنی زمانی که مسلمانان در اقلیت و کفار در اکثریت و با شدت دشمنی نسبت به مسلمانان و اهل بیت (علیهم‌السلام) بوده‌اند دلالت دارد.

جایگاه سوره «مطففین» بر اساس وقایع تاریخ اسلام

از آنجا که توجه به تاریخ و سیره تأثیر بسزایی در امر تفسیر و همچنین تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن دارد، حال با نگاهی به مهم‌ترین وقایع تاریخی سال‌های پایانی بعثت و سال اول هجری می‌توان به دو پیمان عقبه اول و دوم اشاره کرد. در عقبه اول، پیامبر (صلی الله علیه وآله) پس از بازگشت از طائف در موسم حج سال دوازدهم بعثت، با گروهی از سران انصار ملاقات کرد و مسأله دعوت را با آنان در میان نهاد، ایشان نیز با آن حضرت پیمان بسته و مسلمان شدند و یک سال مهلت خواستند تا در مراسم حج سال بعد با جمع بیش‌تری به محضر آن حضرت جهت حمایت از ایشان و سایر مسلمانان شرفیاب شوند، سپس آن حضرت به درخواست آنان، مصعب بن عمیر را برای آموزش قرآن و معارف اسلامی، به یثرب فرستاد و در آن سال، جمع کثیری از مردم مدینه مسلمان شدند و در مراسم حج سال سیزدهم بعثت حدود ۷۰ نفر از اهالی مدینه، علی‌رغم تدابیر شدید امنیتی از سوی کفار قریش، در دره عقبه با پیامبر (صلی الله علیه وآله) ملاقات و بیعت کردند و پیمان مساعدت و همراهی با آن حضرت را منعقد ساختند (رک: بیهقی، ۴۰۵ق: ۲/۴۳۰-۴۵۸). تقریباً به فاصله سه ماه از آن واقعه،

هجرت پیامبر(صلی الله علیه وآله) از مکه به مدینه صورت گرفت(بیهقی، ۱۴۰۵ق: ۵۱۱/۱). ایشان روز دوشنبه هشتم ربیع الاول یا پنجشنبه دوازدهم ماه ربیع الاول وارد مدینه شدند(یعقوبی، بی تا: ۴۱/۲) اما به هنگام تعیین مبدأ زمانی برای تاریخ اسلام با وجود اختلاف نظر فراوان بین اصحاب، سرانجام شروع هجرت معیار تعیین تاریخ شد ولی شروع دقیق این تقویم از ابتدای ماه محرم همان سال(طبری، ۱۳۸۷ق: ۳۸۸/۲) یعنی حدوداً دو ماه قبل از هجرت قرار گرفت. بنابراین با توجه به مطالب بیان شده، گرچه نزول این سوره در شأن تجار مدینه- با توجه به اطلاع پیامبر(صلی الله علیه وآله) از اوضاع و احوال مردم مدینه به جهت ملاقات‌های ایشان با آن جناب- چندان بعید به نظر نمی‌آید، ولی ممکن است آنچه که در مباحث پیشین ذیل روایات ناظر به مدنی بودن سوره مطففین ذکر شد که اغلب نیز به نقل از تابعین یا صحابه کم‌سنی است که سال هجرت و زمان تعیین تقویم هجری را درک نکرده‌اند، ناشی از عدم توجه آنان به اختلاف موجود بین شروع سال اول هجری و زمان دقیق هجرت به مدینه باشد. اکنون با روشن شدن مسأله و رفع این ابهام تاریخی، می‌توان نزول سوره مطففین را مکی و در سال آخر بعثت؛ حدوداً در طول چند ماه قبل از هجرت به مدینه تخمین زد.

ضوابط و خصائص سوره «مطففین»

عالمان علوم قرآن، جهت مکی و مدنی، علاوه بر روایات، راه قیاسی نیز در نظر گرفته‌اند که اساس آن، ضوابط و خصائص سوره‌های مکی و مدنی است. مراد از ضوابط در اینجا، اصولی است که غالباً به خصوصیات الفاظ ارتباط دارد و مراد از خصائص، اموری است که به خصوصیات اسلوب و معنا وابسته است. سوره مطففین نیز به این اعتبار قابل بررسی است.

ضوابط سوره «مطففین»

از میان ضوابطی که علما برای سوره‌های مکی در نظر گرفته‌اند(رک. زرکشی، ۱۴۱۵ق: ۲۷۵-۲۷۶؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۸۶-۸۷؛ زرقانی، ۱۴۰۸ق: ۱۸۹/۱-۱۹۱) آنچه در این سوره وجود دارد، عبارت است از ذکر ﴿أَسَاطِيرَ الْأُولَئِينَ﴾ (المطففین / ۱۳)،

چهار بار واژه «كَلَّا» (المطففین / ۷، ۱۴، ۱۵، ۱۸). همچنین بر اساس برخی مطالعات بر روی واژگان و ترکیبات سوره‌های مکی و مدنی، وجود کلمات نظیر «ویل»، «ما ادراک» و «لا أقسم» در سوره نشانه مکی بودن آن دانسته می‌شود (نکونام، ۱۳۸۰ق: ۱۲۱-۱۲۲). پس ذکر دو بار کلمه «ویل» (المطففین / ۱، ۱۰) و ۲ بار «مَا أَذْرَاكَ» (المطففین / ۱۹، ۸) در این سوره قابل مشاهده است. از سوی دیگر، با وجود اختلاف نظر در سرآغاز سور مفصل، که خواه «انسان» باشد (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۲۳۸/۱) یا «حجرات» (زرقانی، ۱۴۰۸ق: ۱۹۸/۱)، «مطففین» (۸۳) جزء این دسته محسوب می‌شود. از طرف دیگر، با توجه به یکی از وجوه تسمیه سور مفصل؛ یعنی عدم وجود منسوخ در آن‌ها (زرقانی، ۱۴۰۸ق: ۱۹۸/۱) و همچنین از آنجا که نحاس این سوره را ذیل ۴۳ سوره‌ای که در آن‌ها ناسخ و منسوخ راه نیافته برمی‌شمارد (نحاس، بی‌تا: ۲۶۵-۲۶۶). پس قطعاً «مطففین» جزء سوره‌های مفصل و مکی است. اما از میان ضوابط مذکور برای سوره‌های مدنی (رک: زرکشی، ۱۴۱۵ق: ۲۷۵-۲۷۸؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۸۶-۸۷؛ زرقانی، ۱۴۰۸ق: ۱۹۱/۱) بایستی گفت که هرچند از آیه نخست این سوره، شبهه تشریح حکم برمی‌آید ولی در واقع «ویل» به معنای شدت عذاب در آخرت است (قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲۰/۲۵۰)؛ لذا هیچ صراحتی بر تحریم ندارد و تنها در صدد انذار از خیانت در پیمان و درمان این بیماری شایع در میان مردم است (خطیب، بی‌تا: ۱۴۸۹/۱۶-۱۴۹۰). همچنین در این سوره هیچ ذکری از منافقان و جهاد نیامده، بنابراین ملاحظه می‌شود که علی‌رغم مخالفت با تمام ضابطه‌های مدنی، تعدادی از ضوابط مکی با این سوره مطابقت می‌کند.

خصائص سوره «مطففین»

علما برای هر دسته از سوره‌های مکی و مدنی، خصوصیات را در دو بخش اسلوبی و موضوعی بیان کرده‌اند که در باره این سوره می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

خصوصیات اسلوبی

از میان خصوصیات اسلوبی ذکر شده درباره سور مکی (رک: زرقانی، ۱۴۰۸ق: ۱۹۵/۱-۱۹۶)، سوره «مطففین» دارای ۳۶ آیه کوتاه است و تمامی ترکیبات تأکیدی و تثبیت

معنا در این سوره حدود ۲۰ مورد؛ از جمله ۶ مورد «لام تأکید» و ۴ مورد «کَلَّا» می‌باشد. همچنین وجود واژگان کلیدی متعدد در این سوره نظیر «المطففین»، «سجین»، «رحیق مختوم»، «علیون»، «تسنیم»، «کتاب مرقوم»، «مُعْتَدِ أُنْیَمٍ» که اغلب از کلمات تک کاربرد قرآن کریم می‌باشد، همگی بر کثرت اسلوب تأکید در این سوره دلالت دارد. به سبب کوتاهی آیات این سوره نیز، کثرت فواصل در آن به خوبی مشهود است و تمامی آیاتش از سجع و وزن نیرومندی برخوردار است. زیرا انتهای تمام آیات این سوره به حروف هم‌مخرج و متوازن مدی نظیر «ون»، «ین»، «یم» و «وم» ختم می‌شود و از این چهار وزن مشترک خارج نمی‌شود.

اما در مورد خصوصیات اسلوبی سور مدنی (رک: زرقانی، ۱۴۰۸ق: ۱۹۷/۱)، ملاحظه می‌شود که با هیچ‌کدام از آن‌ها از جمله طولانی بودن سوره‌ها و آیات و اسلوب تحقیر در مقابله با منافقان منطبق نیست.

خصوصیات موضوعی

از میان خصوصیات موضوعی که برای سور مکی تعیین شده است (رک: زرقانی، ۱۴۰۸ق: ۱۹۵-۱۹۶)، می‌توان گفت فضای حاکم بر اغراض سوره، اموری نظیر اثبات امر قیامت و روز جزا (المطففین/ ۴، ۱۱) و توصیف آن (المطففین/ ۵، ۶) و اثبات وجود نامه اعمال (المطففین/ ۱۷، ۱۸، ۲۰) است. درباره شرح اصول اخلاقی و حقوق اجتماعی، باید گفت اعمالی هم‌چون کم‌فروشی، کفر و مسخره کردن دیگران ناپسند و عذاب‌آور معرفی شده و اعمال پسندیده‌ای مثل نیکی و ایمان نیز به همراه پاداش‌هایی ذکر می‌گردد.

ناگفته نماند که بر اساس برخی روایات تفسیر باطنی ذیل این سوره، آیات ۱۸-۲۸ بیانگر تکریم اهل بیت (علیهم‌السلام) و پیشوایان آنان است. زیرا بنا به قول امام صادق (علیه‌السلام) آنچه در «کتاب مرقوم» (المطففین/ ۲۰) که مربوط به «کتاب الابرار» است ثبت شده، همانا حب حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل بیت (علیهم‌السلام) است (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۵/ ۶۰۷). همچنین بنا به قول امام باقر (علیه‌السلام) مراد از «المقربون» در آیه «عَيْنَا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ» (المطففین/ ۲۸)، اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌باشند (قمی، ۱۳۶۷ش: ۲/ ۴۱۰) لذا یکی از نعمت‌های الهی که نصیب نیکوکاران

محب اهل بیت (علیهم‌السلام) در بهشت می‌شود، نوشیدن از چشمه‌ای است که اهل بیت (علیهم‌السلام) از آن می‌نوشند.

اما در مورد خصوصیات موضوعی سور مدنی (رک: زرقانی، ۱۴۰۸ق: ۱/۱۹۷)، ملاحظه می‌شود که در این سوره، از بیان جزئیات تشریح احکام و جهاد و رسوا ساختن حالات منافقان هیچ سخنی به میان نیامده است.

فلسفه مکی بودن سوره «مطففین»

گفتنی است که «قریش» در لغت از «تقرش» به معنای کسب و تجارت می‌باشد (ابن هشام، بی تا: ۱/۹۳) لذا پیشه اصلی قبیله قریش نیز تجارت و بازرگانی بوده است (ابن هشام، بی تا: ۱/۱۸۸). در آیه ﴿إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ﴾ (قریش/۲) نیز به این مطلب اشاره شده است. از جمله عادات ناپسند میان اعراب جاهلی یعنی مشرکان قریش و تجار، کم‌فروشی و غش در معامله بوده که منظور از مطففین در این سوره، نه همه کم‌فروشان بلکه کفار کم‌فروش است. مضمون مجموع آیات نخست نیز بیانگر این مذمت است که آنان حق را آن‌گونه که برای خود رعایت می‌کنند برای دیگران رعایت نمی‌کنند، و این خود باعث تباهی اجتماع انسانی است که اساس آن بر تعادل حقوق متقابل است، و اگر این تعادل از بین برود، همه چیز فاسد و نابود می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۰/۲۳۰).

در این آیات تهدید شدید کم‌فروشان قبل از هر چیز، در حقیقت نشانگر اعلان جنگی از ناحیه خداوند به این افراد ظالمی است که حق مردم را به طرز ناجوانمردانه‌ای پایمال می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۲۴/۲۶). قطعاً این نوع برخورد خشن و رسواکننده بیش‌تر مناسب وضعیت مشرکان است (خطیب، بی تا: ۱۴۸۸/۱۶). زیرا بر اساس واقعیت تاریخی، اسلام در محیط مکه با حالتی زنده از تطفیف مواجه بود به نحوی که ثروتمندان و بزرگان مشرکان با اشتغال به تجارت‌های وسیع به احتکار دست می‌زدند. اموال زیادی در دستان این بزرگان بود که آن را از طریق فرستادن کاروان‌های تجاری در دو فصل زمستان و تابستان به سوی یمن و شام فراهم آورده بودند و سپس بازارهایی به نام «عکاظ» در موسم حج می‌گشودند. آن‌ها بر اساس امیال خویش با اعمال فشار بر

مردم حکمرانی می‌کردند و در آیه قرآن نیز به همین منظور تطفیف را مذمت کرده و از آن بر حذر داشته است (سید قطب، ۱۴۱۲ق: ۳۸۵۵/۶).

در تعالیم الهی به اشکال مختلفی با کم‌فروشی که یکی از بدترین گونه‌های فساد اقتصادی به شمار می‌رود، مبارزه می‌شود. چنانکه روایتی در مذمت آن از قول امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که ایشان فرمودند: «وَجَدْنَا فِي كِتَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ... وَإِذَا طُفِّفَ الْمِكْيَالُ وَالْمِيزَانُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَالنَّقْصِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۷۴/۲) البته در جای دیگری، موارد این نقصان نیز در ادامه روایت فوق چنین ذکر شده است: «مِنَ الْأَنْفُسِ وَالْأَمْوَالِ وَالشَّمْرَاتِ» (نوری، ۱۴۰۸ق: ۳۳۴/۱۲). پس با توجه به این روایت، نتیجه شوم این عمل غیراخلاقی (خیانت و کم‌فروشی در معاملات)، کوتاهی عمر، قحطی و از بین رفتن برکت در زندگی، اموال و فرزندان انسان است و این موضوع و عواقب آن با وضعیت کفار قریش که سرانجام دچار هلاکت و رسوایی شدند، کاملاً منطبق است و این سوره در حکم اتمام حجت با آنان و نیز هشدار برای سایرین جهت پرهیز از گرفتاری در این فساد و تباهی می‌باشد.

نتیجه بحث

بی‌تردید می‌توان زمان و ترتیب نزول سوره «مطففین» را بر اساس روش ترکیبی (نقلی و اجتهادی) در تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن تعیین نمود. چنانکه با توجه به اکثر روایات معتبر در زمینه ترتیب نزول سوره، این سوره جزء آخرین سوره‌های مکی و پس از سوره عنکبوت است. همچنین در روایات سبب نزول، روایات مربوط به آیات آغازین، فاقد اعتبار لازم برای تاریخ‌گذاری است. اما موثق‌ترین روایات سبب نزول ذیل آیات پایانی سوره، بر نزول آن در فضای مکه و میان کفار و تجار منحرف قریش دلالت دارد. هم‌چنین با توجه به اخبار تاریخ اسلام، می‌توان دریافت که در سال پایانی بعثت، مسلمانان در اقلیت و کفار مکه در اکثریت بودند و با شدت کینه‌توزی مقابل مسلمانان و مخصوصاً اهل بیت (علیهم السلام) برخورد می‌کردند. لذا مضامین این سوره به‌ویژه آیات پایانی آن، که حاکی از تمسخر مؤمنان توسط کفار است، به‌نسبت با اوضاع مشرکان مکه در سال آخر بعثت تناسب بیشتری دارد. لذا می‌توان گفت که این سوره، اندکی قبل از

هجرت در مقام اتمام حجت با این کافران کم‌فروش و مسخره‌کننده نازل شده است. علاوه بر آن، ساختار لفظی و اسلوب محتوایی این سوره از جمله کوتاهی آیات، وزن مسجع، کثرت فواصل و در عین حال، وجود ترکیبات متعدد جهت تأکید و تثبیت معنا هم‌چون تکرار لفظ «کلا» و «لام تأکید»، هم‌چنین شواهدی نظیر توصیف امر قیامت و نامه اعمال، دعوت به ایمان و احسان و برعکس، عتاب نسبت به کافران، کم‌فروشان، مفسدان و تمسخر‌کنندگان همگی با ضوابط و خصائص معین در سور مکی هم‌خوانی بیشتری دارد که خود، مؤید مکی بودن آن است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- آلوسی، محمود. ١٤١٥ق، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن جوزی، ابوالفرج. ١٤٢٢ق، **زاد المسیر فی علم التفسیر**، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن جوزی، ابوالفرج. ١٤٢٢ق، **فنون الأفنان فی عجائب علوم القرآن**، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه.
- ابن ضریس، محمد. ١٤٠٨ق، **فضائل القرآن وما أنزل من القرآن بمکه وما أنزل بالمدينة**، دمشق: دار الفکر.
- ابن عاشور، محمد. بی تا، **التحریر والتنویر**، بی جا: بی تا.
- ابن ندیم، محمد. ١٣٤٦ش، **الفهرست**، تحقیق رضا تجدد، تهران: چاپخانه بازرگانی ایران.
- ابن هشام، عبد الملک. بی تا، **السیرة النبویه**، تحقیق مصطفی السقا، بیروت: دار المعرفة.
- بغوی، حسین. ١٤٢٠ق، **معالم التنزیل فی تفسیر القرآن**، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق. ١٤٢٢ق، **الكشف والبيان عن تفسیر القرآن**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حسکانی، عبدالله. ١٤١١ق، **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**، تحقیق محمدباقر محمودی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- حقی بروسوی، اسماعیل. بی تا، **تفسیر روح البیان**، بیروت: دار الفکر.
- دروزه، محمد عزت. ١٣٨٣ق، **التفسیر الحدیث**، قاهره: دار إحياء الکتب العربیه.
- زحیلی، وهبة. ١٤١٨ق، **التفسیر المنیر فی العقیده والشریعة والمنهج**، بیروت- دمشق: دار الفکر المعاصر.
- زرقانی، عبدالعظیم. ١٤٠٨ق، **مناهل العرفان فی علوم القرآن**، بیروت: دار الفکر.
- زرکشی، بدرالدین. ١٤١٥ق، **البرهان فی علوم القرآن**، بیروت: دار المعرفة.
- زمخشری، محمود. ١٤٠٧ق، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت: دار الکتب العربی.
- سید قطب، ابن ابی ابراهیم. ١٤١٢ق، **فی ظلال القرآن**، بیروت: دار الشرق.
- سیوطی، جلال الدین. ١٤٢١ق، **الاتقان فی علوم القرآن**، بیروت: دار الکتب العربی.
- شوکانی، محمد. ١٤١٤ق، **فتح القدير**، دمشق: دار ابن کثیر.

طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۴۱۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲، **مجمع البیان لعلوم القرآن**، تهران: ناصرخسرو.

طبری، محمد بن جریر. ۱۳۸۷ق، **تاریخ الطبری (تاریخ الأمم والملوک)**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.

فیض کاشانی، ملا محسن. ۱۴۱۵ق، **تفسیر الصافی**، تحقیق حسین اعلمی، تهران: الصدر.

قرطبی، محمد. ۱۳۶۴ش، **الجامع لأحكام القرآن**، تهران: ناصرخسرو.

کشی، محمد. ۱۳۴۸ش، **رجال الکشی**، مشهد: دانشگاه مشهد.

کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷ق، **الکافی**، تهران: دار الکتب الإسلامية.

مراغی، احمد. ۱۹۸۵م، **تفسیر المراغی**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مظهری، محمد. ۱۴۱۲ق، **التفسیر المظهری**، تحقیق غلام بنی تونسلی، کراچی: مکتبه رشیدیة.

معرفت، محمد هادی. ۱۳۸۹ش، **تاریخ قرآن**، تهران: سمت.

معرفت، محمد هادی. ۱۴۱۵ق، **التمهید فی علوم القرآن**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

مقاتل، ابن سلیمان. ۱۴۲۳ق، **تفسیر مقاتل بن سلیمان**، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار إحياء التراث.

ملاحویش، عبدالقادر. ۱۳۸۲ق، **بیان المعانی**، دمشق: مطبعة الترقی.

میبدی، رشید الدین. ۱۳۷۱ش، **کشف الأسرار و عدة الأبرار**، تحقیق علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر.

نکونام، جعفر. ۱۳۸۰ش، **درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن**، تهران: هستی نما.

نوری، حسین. ۱۴۰۸ق، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

واحدی، علی. ۱۴۱۱ق، **اسباب النزول**، تحقیق کمال بسیونی زغلول، بیروت: دار الکتب العلمیة.

یعقوبی، احمد. بی تا، **تاریخ الیعقوبی**، بیروت: دار صادر.

مقالات

پهلوان، منصور؛ ابراهیم اقبال؛ محمدعلی حیدری مزرعه آخوند. ۱۳۹۳ش، «**نقد و بررسی روش‌های**

تاریخ‌گذاری قرآن»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۲۷-۴۵.